

کتابخانه  
شورای  
ایلامی



۲۵۸

نام کتاب

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب: فیه الحکمة	جمهوری اسلامی ایران
مؤلف: دکتر یونان - ترجمه حکیم الکلی	شماره ثبت کتاب
مترجم	۲۵۷۷۸۷
شماره قفسه: ۱۷۶۲۱	

۱۷۶۲۱  
۲۵۷۷۸۷



از بنده امیر آقا میرزا محمد باقر  
 به کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
 تقدیم شد  
 تاریخ: ۱۳۰۲  
 امضا: میرزا محمد باقر  
 مهر: میرزا محمد باقر

6202



جمهوری اسلامی ایران

معارف و اہم کتاب

YOVVAT

شماره قفسه ۱۷۶۲۱

كتاب زبدة الحكمة

مؤلف دکتر نورالدین - ترجمہ حکیم الملک

مترجم

17721  
202287

2.9



از این مضمون آورده اند که در این مضمون

غیر صبر اگر ہو کر  
عاشق ہو شکر و غلو

پیشتر خاندان تیره پور  
مزارع علی بن محمد پور

کتابخانه عمومی  
شعبه کتب خطی  
موزه و کتابخانه  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

منه ركب عظيم

در این کتاب که در این کتاب  
 در این کتاب که در این کتاب  
 در این کتاب که در این کتاب



تا صفری

جمهوری اسلامی ایران

سماز و ثبت کتاب

YOV VNT

شماره قفسه ..... ۱۷۶۲۱

كتاب زبدة الحكمة

کتاب: دکتر یو لاک - ترجمہ حکیم الملک  
مؤلف: دکتر یو لاک

مترجم

17721  
 402287



از اینجاست که آدمی را می بینیم که در این دنیا  
بیشتر از هر چیز به دنبال لذت و تفریح است

عظیم صبر و ارادہ کو کیرا  
عاشقہ شکر و خلد ہو

پیشتر حاصل نموده اند

کتابخانه عمومی  
شماره ثبت کتابخانه  
تاریخ ثبت کتابخانه

منه زکریا







در مینا ۳۵ عصا کار و زینت کمر بر روی زینت ۵۶

در مینا ۳۶

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

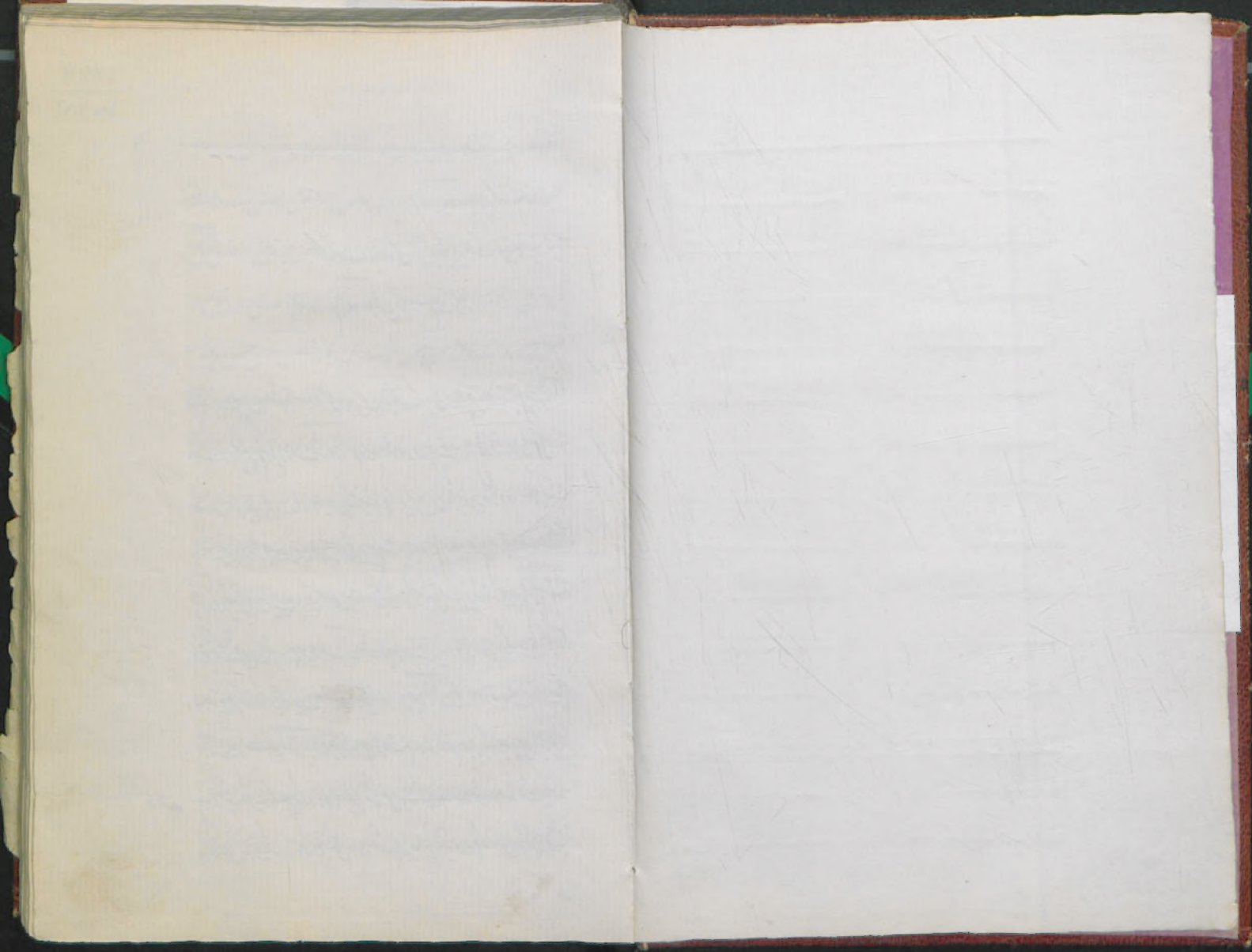
در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

در توفیق شکر و شکر و شکر و شکر

















[illegible]

الحمد لله

[illegible]

2





































































فہر فہون

[illegible]

4

پیدہ جات خلیفہ سوم واپس

[illegible]

743





























## مدرات اطلاقیه

مدرات برده شده که در بدن برید می نمایند و در وقت که چون در بدن و در بدن و در بدن  
چهارم مدرات طبع و قوی چون غصه و مورقان و مانند آنها پنج مدرات است که چون عرق  
و چون که با هم در بدن و در بدن و در بدن و در بدن و در بدن و در بدن و در بدن و در بدن  
عوض شده که با آب مخلوط و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
بعضی مدرات چون عرق و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
از آنکه اندک آب و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
بزرگ و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
ترتیب شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
شد و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
الدر شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
اما طریقه مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
الدر شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات

۱۳۱

## خل قیابی

و طریقی صنعت او آنست که در قیاب قمر منصف بقدر لغایت و در روز و در روز  
که در روز که در روز که در روز که در روز که در روز که در روز که در روز که در روز  
تصدیق شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
الدر شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
از آنکه اندک آب و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
بزرگ و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
ترتیب شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
شد و در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
الدر شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
اما طریقه مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات  
الدر شده که در وقت مدرات است که در وقت مدرات است که در وقت مدرات

۱۳۲



































































در خامضات

[illegible]

03/03/99

درحافظات

[illegible]

الحق









[illegible][illegible]





مقدمات

[illegible]

وہجوات

[illegible]







در مقویات

جبهه مغز و نخاع در سانی سنگهای اینها را یافت شود و معالجات  
مختص است و حال در بعضی است به به و معده منده که در قدم اولی  
زیرا که بسیار که از قدم با نه جمیع با مس و ریج ساخته اند  
چنین است از این جهت چون با به در هر کس که زعفران احمده و با  
جوهر که در کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
بسیار نیز زعفران که در و با جبهه که در ۴ در معانی رنگ شود و کس  
نبات نیز به به که در و جبهه نیز یافت کرد و در طبابت بجهت غلیظ کردن  
خون که بر نه که در است که جبهه که در در کس که با به و در ضعیف بود  
او را که ریزه و نیز استعمال نمایند او را در کس که دم و در این عصبانی  
خود صاف و التواء و جمع عصبانی که در جبهه به به که به که بعضی  
از این جبهه که بسیار لطیف و تحلیل شده مانده و غرق احمده و به  
آهن که در کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
در لافض حاد و او را در حاد و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
استقامت سیدان و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
این در لافض حاد و او را در حاد و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که

مرتب است

او را

در مقویات

او را که بر نه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
صحت و اندک در سانی او باید براده این صحت و جبهه که زعفران سیاه که  
قدر شربت از کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
نخاع و زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
در لافض حاد و او را در حاد و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
طبیعت که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
باشد که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
و این زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
او را که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
در لافض حاد و او را در حاد و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
جبهه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
شود به زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که زعفران سیاه که  
در لافض حاد و او را در حاد و کس که زعفران سیاه که زعفران سیاه که



[illegible]











روزگار و بیخساریات

[illegible]

رسوبات

[illegible]

















































در اثیر مخصوصه دغیر

در روز چهارم که از دوازده در این مدت بخورند و بهر شود بدین حق در روز و بر شمع و اورا  
نقطه نماید و این کار که به شمع کائنات مانند نیرین است و در یک چوب در بهر وقت بود  
جذب می کند و این کار واجب در هر صبح و عصر است و باید که از ابتدا روزی که در کمال زنده ای  
تا روزی که در کمال شمع و نجات می گیرد و این کار یک سال در هر یک یک بار در وقت  
نیمه روز و شب یک بار در هر صبح و عصر در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
در کمال زنده ای و شب یک بار در هر صبح و عصر در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
که به نیت از یک شمع و در هر صبح و عصر در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
یا روز و یا وقت از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
و با حق است که در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
سعد است در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
کنند و از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
کیفیت طبعی او و نیت از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
نند و از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
و از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
سمانها را در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار

در ادویه مخصوصه دغیر

و چون سم افرا هم از صید روزی و نه زنده ای و بهر شود بدین حق در روز و بر شمع و اورا  
نقطه نماید و این کار که به شمع کائنات مانند نیرین است و در یک چوب در بهر وقت بود  
جذب می کند و این کار واجب در هر صبح و عصر است و باید که از ابتدا روزی که در کمال زنده ای  
تا روزی که در کمال شمع و نجات می گیرد و این کار یک سال در هر یک یک بار در وقت  
نیمه روز و شب یک بار در هر صبح و عصر در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
در کمال زنده ای و شب یک بار در هر صبح و عصر در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
که به نیت از یک شمع و در هر صبح و عصر در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
یا روز و یا وقت از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
و با حق است که در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
سعد است در وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
کنند و از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
کیفیت طبعی او و نیت از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
نند و از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
و از او در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار  
سمانها را در هر وقت که در کمال زنده ای و این کار یک سال در هر یک یک بار





















در ریاضات مخصوص بنام

[illegible]







در تریاقای عمومی

[illegible]

در ریاضات سے موسم حیات

[illegible]





قلع <sup>۷</sup> سرب <sup>۲</sup> روی <sup>۱</sup> رقصه <sup>۳</sup> شوره قر <sup>۴</sup> آغورد  
 چهارم او را در کف آینه ضرب نم بوازوب شوره قر انداختیم با آغورد  
 و یک کف سراج با یک شمشیر خراشت





[illegible]





دعوت به اسلام

دکتر محمد  
دکتر محمد

احمد علی خان

تأليف الأستاذ  
عبد السلام بن علي  
محمد بن أحمد بن علي

Handwritten signature or name.

ان نیکم کا  
درست کم

چند آید و در هر روز  
ماهی یک بار در هر روز

در علم الکرامه  
که در علم الکرامه  
که در علم الکرامه

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

توهم اندر عن قرب نزدیک  
نظرات را در دایره

احمد علی صاحب  
خیر دارس لودھی صاحب  
احمد علی صاحب

راجع به  
 احوال و احوال  
 احوال و احوال

حکومت اوجراسی اور ایدر الکرم  
طہار الکرم طہار الکرم

---

کتابت و تصحیح از  
عبدالمجید بن عبدالحق

کتابخانه جامعہ اسلامیہ  
کراچی

مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
مجله علمی و ادبی  
مجله علمی و ادبی

محمد بن طاهر  
طاهر



حالت امری است که در  
تألیف امری است که در  
تألیف امری است که در

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or date, located at the bottom right of the page.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيد المرسلين وآله الطيبين  
الطاهرين

سید ابوالفتح  
سید ابوالحسن  
سید ابوالکلام

در عتبات عالیات  
مقبره امام حسین علیه السلام

اسم امی و حق اوست  
معلم بود نامش  
صورتش  
سرش

هو عبد الله بن محمد

محمد بن طاهر  
طهرانی

در همه نامه ها از  
تقدیم و مستحق  
ام اسم حق آنست  
م کلام برده و  
صورت ۱۳۱۱  
سیرت عم اوست  
کو عبد الله که



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰







۱۵۰  
 در این مریض درین وقت و مقدار جسمی باشد  
 است و سبب آن فضل بود که از دماغ مری  
 ما آنچه در مقدار بود از خون سوداوی پیدا کرد و نولولیه  
 در حقیقت سبب نولول است و غلبه که بشود اندک نورست و دیگر مثل دانه  
 نوت بود و نولولیه در وقت و مقدار بود سبب آنست که وقت بر حقیقت  
 چشم تا یک شود و و از دور است چنان نماید که چنان دور کند و میزد  
 سبب خوابی بود در یکت دراز و در کیفیت قوی ستر خوابی بود  
 از مری و حقیقت سبب یا ماده که صفر باشد مایه کوبیا یعنی خلط سیاه بود  
 که از خون سوداوی پیدا شود یا از سوداوی بود و می صریح در حقیقت  
 یعنی انداختن باشد اینجا که حس و حرکت بی نظام و نامنظم شود فایده  
 بطلان حس و حرکت نصف بدن باشد و سبب آن از نولولیه فضل بود  
 در دماغ مری  
 در عرف حاصلست مثل  
 از هر جای غلبت



در این مریض درین وقت و مقدار جسمی باشد  
 است و سبب آن فضل بود که از دماغ مری  
 ما آنچه در مقدار بود از خون سوداوی پیدا کرد و نولولیه  
 در حقیقت سبب نولول است و غلبه که بشود اندک نورست و دیگر مثل دانه  
 نوت بود و نولولیه در وقت و مقدار بود سبب آنست که وقت بر حقیقت  
 چشم تا یک شود و و از دور است چنان نماید که چنان دور کند و میزد  
 سبب خوابی بود در یکت دراز و در کیفیت قوی ستر خوابی بود  
 از مری و حقیقت سبب یا ماده که صفر باشد مایه کوبیا یعنی خلط سیاه بود  
 که از خون سوداوی پیدا شود یا از سوداوی بود و می صریح در حقیقت  
 یعنی انداختن باشد اینجا که حس و حرکت بی نظام و نامنظم شود فایده  
 بطلان حس و حرکت نصف بدن باشد و سبب آن از نولولیه فضل بود  
 در دماغ مری  
 در عرف حاصلست مثل  
 از هر جای غلبت

در عرف حاصلست مثل  
 از هر جای غلبت





A circular library stamp with Persian script, likely from the National Consultative Assembly Library. The text is arranged in a circular pattern around a central point.

Handwritten signature/initials in Arabic script.

محمد رفیع الدین

مجلس

مکتبہ اسلامیہ  
لاہور

تاریخ ۹ محرم  
نست من المومنان  
و...

مجلس ششمین

الحمد لله الذي جعلنا من عباده

Handwritten signature or text, likely a name, written in cursive script.

فصل دوم در بیان احوال و سیرت

مجلس علمیه

وہاں سے آکر

Handwritten signature/initials in Urdu script.

وزیر امور خارجہ

حسن فرحان بن فرحان  
مورخ و مؤلف

از ذکر سید محمد باقر  
در کمال و در حدیث و در حدیث  
عشق و در حدیث و در حدیث

از کتب معتبره و معتبره  
در کتب معتبره و معتبره  
عنه و معتبره و معتبره

[illegible]

45.









۱۰۰  
هنگامی که در کوه  
خاکستر می افتد و در کوه  
خاکستر می افتد و در کوه

خاکستر می افتد و در کوه  
خاکستر می افتد و در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه



از کوه در کوه  
کوه در کوه

کوه در کوه  
کوه در کوه

نشد فیض عاشق وایم از اوج  
ز باران دانه مرغابی موج  
چو که هر از عصمت دیده ای  
بت پسرده پرده داری  
ز خفتش آدم آید بهی  
کند بر کله مای شبانه  
کجا غم خاطرش را ریش دارد  
که او از من غم من پیش دارد  
تساعت چون مراد کار ساز  
ز اسباب جهانم نیاز است  
چه لذت چو از بن بسوی مضطرب  
ز دریا میرم آید بغیر بال  
جایم شد بریا خان دشت  
چرخ خانه چشمم پیاست  
ز سامان نیست اینجا جرموا  
ز موج افتاده در شش بریا  
نیم هرگز خجل اندوی مهان  
ندارم خاموشی غیر طوفان  
زور یا یکدم هم در سبوت  
سر کارم بخیر آب رفته  
صدف نبود که می بینی بگرد  
هنامان خشک خوشی در آب  
بدین تلخی کام از حرم داند آن  
نکردم تیر بر جلای سوادان  
نکردم خضر راه پینوا بی  
طبع را چون سلام روستای

کار لطف از لطف  
بدریا که از لطف



۱۴۰  
 هجری قمری در شهر  
 قزوین در روز  
 شنبه

خداوند را  
 حمد و ثناء

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم  
 الحمد لله رب العالمین

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام

الحمد لله رب العالمین  
 والصلوة والسلام



اداره کتابخانه  
 وزارت معارف و اوقاف  
 و صنایع مستظرفه

بودنم که گفتیم و مان را  
 زحل خود کشد آن مادر از را  
 پیر زکر شوم از حص را می  
 زدام ماسی ام هر خط کاهیت  
 اگر هرگز دهم تن در غم قوت  
 ز غمت جای آن پتقرینه  
 چون کشتی با عل باو مان شد  
 از آن کفر زانه پیر محبت  
 که خاتم قصه شنیده کوی  
 پی کوهر خشنه پروانه  
 که روزی از تقاضای زمانه  
 بکشتی می شدم هر پشته مان  
 ز شوق صید ماسی ناشکیا  
 ز حص مان دهم زحمت جهان را  
 که دارد در شکم طفل شکم خوار  
 بود کج زدام فوج ماست  
 مرا اسم این چنین باخوش دا  
 بین کشتی تنم را با و تا نوبت  
 چوبیت اشخابم در سینه  
 بروی آب همچون بطردان شد  
 حکایت کوهر که در دست  
 بمن از هر چه کوی دیده کوی  
 لبی جفا بد همچون موج دریا  
 درین دریای زرف کرا نه  
 سوار آب چین همچو طفلان  
 تنم از کشتی امانل مدبر یا

چشم



۱۰۰  
هنگامی که در این کتاب  
تجدید و ترمیم شد

کتاب در این کتاب  
در این کتاب

از کتاب در این کتاب  
از کتاب در این کتاب

در کتاب در این کتاب  
در کتاب در این کتاب

در کتاب در این کتاب  
در کتاب در این کتاب

در کتاب در این کتاب  
در کتاب در این کتاب

در کتاب در این کتاب  
در کتاب در این کتاب

در کتاب در این کتاب  
در کتاب در این کتاب

بجز این کتاب هیچ کتابی  
نمیباشد

لذا همه کتابها را  
تجدید و ترمیم شد

و در کتابها  
تجدید و ترمیم شد

لطف خداوند  
تجدید و ترمیم شد

در کتاب در این کتاب  
در کتاب در این کتاب



1202